استدلال و استناد نادرست صاحب حدائق با استفاده از کلام فخر رازی

«و (ثانيا) ما ذكره الإمام الرازي في تفسيره الكبير»؛ در اینجا دست آسید جواد را می‌بوسم. ایشان با یک کلمه فضا را خیلی تلطیف کرده‌اند. رحمت الله علیه. ایشان با طمطراق می‌گویند اشکال این تواتر چیست؟ این است که فخر رازی می‌گوید آن‌ها با هم دعوا می‌کردند و خودشان یکدیگر را قبول نداشتند. چطور وقتی عاصم با حمزه دعوا می‌کند و او را قبول ندارد، می‌گویی‌م متواتر است؟! دو قاری می‌توانند سر متواتر دعوا کنند؟! فخر رازی گفته بود. ایشان این را می‌آورند و بعد می‌گویند جواب شه‌دی ثانی هم فایده ندارد. صاحب حدائق این را می‌گویند. صاحب مفاتح الکرامه این را آوردند، فقط بعدش یک کلمه جواب دادند. اول گفتند اگر این حرف فخر رازی و حدائق درست باشد، «اشتد الخطب و امتنع الجواب». اما در پایین صفحه یک کلمه می‌فرمایند: «نعم يتجه المنع ان كان المرجح لاحدهما يمنع من الاخر و لم يسمع ذلك الا من الرازي»؛ یعنی فخر رازی مطلبی گفته که مفتضح است. «و ظاهره م الاتفاق علی خلافه»؛ ظاهر علماء این است که اتفاق دارند این حرف فخر رازی غلط است. صاحب حدائق در حدائق حرف فخر رازی را می‌آورند که صاحب مفاتح الکرامه می‌گویند غلط است، منحصر به فرد است. حرف دروغی است. حالا بعداً من شواهد آن را هم عرض می‌کنم. یکی از اشکالاتی هم که جلوتر عرض می‌کردم همان جا است که باید بررسی کنیم. ایشان می‌فرمایند: «ظاهره الاتفاق علی خلافه». پس این حرف فخر رازی هم فی حد نفسه حرف درستی نیست.

ولی آن چه که منظور من است، جواب خود صاحب حدائق است. حرف فخر رازی را برای چه چیزی می‌آورند؟ حرف ایشان را برای در اجماع اصحاب امامیه می‌آورند. به قول حاج آقا اگر ما اینطور می‌گفتیم، صاحب حدائق با ما چه می‌کردند! از فخر رازی حرف بیاوریم برای در اجماع شیعه. این جور فضایی است! تازه هم اختص به!

بازبینی #2
ایجاد شده 29 آوریل 2024 14:06:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 15:18:21 توسط ... .